

ارزیابی وضعیت رقابت پذیری کشورهای عضو اوپک؛ با تأکید بر مؤلفه‌های نوآوری محور

■ حامد صادقی
دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی،
دانشگاه بوعلی سینا
hamedsadeghia@gmail.com

■ ابوالفضل شاه آبادی*
استادیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی
دانشگاه بوعلی سینا
shahabadia@gmail.com
* نویسنده مسئول مکاتبات

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۵/۱۳
تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۷/۲۳

چکیده

رقابت پذیری از جمله مباحثی است که طی چند دهه اخیر توجه بسیاری از محققان و سیاستگذاران را به سمت خود معطوف کرده است. در دنیای امروز و با گسترش پدیده جهانی شدن، کشورها تمامی تلاش خود را به کار می‌گیرند و از همه ظرفیت‌های خود استفاده می‌کنند تا بتوانند با ارتقاء توان رقابت پذیری به کسب سهم بیشتر از بازارهای بین‌المللی نائل آیند. در میان عواملی که موجب افزایش قدرت رقابت پذیری کشورها می‌شود، می‌توان به شاخص‌های نیازهای اساسی، کارایی محور و نوآوری محور اشاره نمود که همگی در گزارش رقابت پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این مطالعه به بررسی وضعیت شاخص کلی رقابت پذیری و همچنین مؤلفه‌های نیازهای اساسی و نوآوری محور اثرگذار بر رقابت پذیری در بین کشورهای عضو اوپک براساس گزارش رقابت پذیری جهانی ۲۰۱۰-۲۰۱۱ پرداخته می‌شود. نتایج نشان می‌دهند وضعیت رقابت پذیری در بین کشورهای مورد بررسی چندان نامناسب نیست، اما باید خاطر نشان ساخت توان رقابتی آنان وابستگی زیادی به زیرساخت‌ها و محیط کلان اقتصادی که خود تابع صادرات نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن می‌باشد، دارد. در عین حال، وضعیت رقابت پذیری آنان از منظر مؤلفه‌های نوآوری نامناسب است. بنابراین به تصمیم‌گیران اقتصادی این کشورها پیشنهاد می‌شود توان رقابتی‌شان را به سمت اتکاء بر مؤلفه‌های نوآوری محور که قدرت انعطاف بیشتری داشته و ارزش افزوده بالاتری به دنبال دارد، سوق دهند.

واژگان کلیدی

رقابت پذیری، مؤلفه نوآوری، مؤلفه نیازهای اساسی، کشورهای عضو اوپک.

مقدمه

موضوع رقابت پذیری از آن دسته مباحثی است که طی سال‌های اخیر به شدت مورد توجه پژوهشگران و محققان اقتصادی قرار گرفته است. امروزه اقتصاددانان واژه رقابت پذیری را در معنا و ابعاد مختلف مورد استفاده قرار می‌دهند. از یک سو، تحلیل‌گران در معنای کلان، فقدان قدرت رقابت پذیری را ناشی از مشکل تعیین نرخ ارز واقعی می‌دانند. در این معنا، رقابت پذیری به وسیله شاخص قیمت‌ها و یا هزینه‌های نسبی اندازه‌گیری شده و فرض می‌شود عوامل ساختاری اصلی ثابت هستند و تنها تمرکز بر آن دسته از سیاست‌های کلان کوتاه‌مدت اثرگذار بر قیمت نسبی کالاها و خدمات نسبت به سایر کشورها می‌باشد. در مقابل، اغلب تحلیل‌گران از رقابت پذیری در مفهوم وسیع‌تری استفاده می‌کنند که در آن معنا، تمرکز اصلی بر عوامل ساختاری اثرگذار بر عملکرد بلندمدت اقتصادی می‌باشد و قسمت اعظم توجه آنها به مسائلی همچون بهره‌وری، مهارت‌ها و نوآوری معطوف است. در کنار این دو نگاه، می‌توان به نگاه سومی نیز اشاره شود که در این معنا، مفهوم رقابت پذیری بر اساس هر دو دسته از متغیرهای غیرساختاری کوتاه‌مدت و ساختاری بلندمدت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در معنای اخیر که به واقعیت‌های بیرونی اقتصاد نیز نزدیک‌تر می‌باشد، تحلیل‌گران معتقدند چون بین عوامل اقتصادی - متغیرهای ساختاری و غیرساختاری - در موضوع رقابت پذیری از آن دسته مباحثی است که طی سال‌های اخیر به شدت مورد توجه پژوهشگران و محققان اقتصادی قرار گرفته است. امروزه اقتصاددانان واژه رقابت پذیری را در معنا و ابعاد مختلف مورد استفاده قرار می‌دهند. از یک سو، تحلیل‌گران در معنای کلان، فقدان قدرت رقابت پذیری را ناشی از مشکل تعیین نرخ ارز واقعی می‌دانند. در این معنا، رقابت پذیری به وسیله شاخص قیمت‌ها و یا هزینه‌های نسبی اندازه‌گیری شده و فرض می‌شود عوامل ساختاری اصلی ثابت هستند و تنها تمرکز بر آن دسته از سیاست‌های کلان کوتاه‌مدت اثرگذار بر قیمت نسبی کالاها و خدمات نسبت به سایر کشورها می‌باشد. در مقابل، اغلب تحلیل‌گران از رقابت پذیری در مفهوم وسیع‌تری استفاده می‌کنند که در آن معنا، تمرکز اصلی بر عوامل ساختاری اثرگذار بر عملکرد بلندمدت اقتصادی می‌باشد و قسمت اعظم توجه آنها به مسائلی همچون بهره‌وری، مهارت‌ها و نوآوری معطوف است. در کنار این دو نگاه، می‌توان به نگاه سومی نیز اشاره شود که در این معنا، مفهوم رقابت پذیری بر اساس هر دو دسته از متغیرهای غیرساختاری کوتاه‌مدت و ساختاری بلندمدت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در معنای اخیر که به واقعیت‌های بیرونی اقتصاد نیز نزدیک‌تر می‌باشد، تحلیل‌گران معتقدند چون بین عوامل اقتصادی - متغیرهای ساختاری و غیرساختاری - در

کوتاه‌مدت و بلندمدت رابطه و کنش متقابل وجود دارد، لذا بحث رقابت پذیری و مسائل و مشکلات مربوط به آن تابعی از هر دو دسته از عوامل ساختاری و غیرساختاری در نظر گرفته می‌شود و توان رقابتی بیشتر مستلزم توجه به همه متغیرها در طول زمان می‌باشد. از سوی دیگر، پژوهشگران از واژه رقابت پذیری در ابعاد خرد و کلان استفاده می‌کنند. در سطح خرد، بنگاه‌ها بر سر منابع با هم رقابت می‌کنند تا کالایی تولید کرده و سهمی از بازار آن کالا را به خود اختصاص دهند. در این معنا، رقابت پذیری از طریق سهم نسبی از بازار، نوآوری و رشد محاسبه می‌شود و بنگاه‌ها به دنبال آن هستند تا با استفاده از راهبردهای رقابت پذیری، عملکرد کلی خود را در بازار

ارزیابی وضعیت رقابت‌پذیری کشورهای عضو اوپک ...
ابوالفضل شاه‌آبادی، حامد صادقی

داشت اگرچه هدف از رقابت طی سال‌های گذشته تغییر چندانی نکرده، ولی ابزارها و پیش‌نیازهای گسترش توان رقابتی تغییرات شگرفی داشته است. طی این سال‌ها عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری از مواردی همچون کیفیت نیروی کار، فراوانی منابع تولید و داشتن سرمایه کافی به مسائلی نظیر دانش فنی، تغییرات فناوری، کارآفرینی و ابداع و نوآوری تغییر پیدا کرده است. امروزه و در عصر اطلاعات و ارتباطات، انتقال، جذب و پیشرفت فناوری نقش مهمی را در رقابت‌پذیری ملی کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه که دچار نوعی عقب ماندگی زمانی در ارتباط با بحث فناوری هستند، از طریق مزیت‌های رقابتی ایفاء می‌نماید. به عبارتی، جذب و پیشرفت فنی از جمله مهمترین ابزارهای صنایع، بنگاه‌ها و کشورها به شمار می‌رود که آنها را قادر می‌سازد توانایی‌های رقابتی شان را سرعت بخشیده و مزیت‌های رقابتی شان را بسط دهند. در واقع، می‌توان عنوان داشت از جمله دلایل مهم تفاوت در توان رقابت‌پذیری کشورها به تفاوت آنها در ظرفیت‌ها و توانایی‌های خلق و یا جذب فناوری و استفاده کارا از آن به منظور گسترش نوآوری در مراحل تولید محصولات ارائه شده‌شان برمی‌گردد. پیشرفت و گسترش دانش فنی داخلی و یا جذب شده از شرکای تجاری، با کمک به ایجاد روش‌های نوین تولید، توزیع و بازاریابی فروش، افزایش کارایی و تغییر ماهیت محصولات تولیدی با ارائه محصولات ارزان‌تر و با کیفیت‌تر، تقویت ارتباط بین مؤسسات آموزشی و پژوهشی با مراکز صنعتی، به شرط حمایت‌های دولتی و وجود حداقل‌هایی از چارچوب‌های نهادی و سرمایه فیزیکی و انسانی می‌تواند کشورها را به

با تجارت آزاد می‌توانند به منافع بیشتری دست یابند. ریکاردو معتقد بود تفاوت فناوری میان صنایع و کشورهای مختلف بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد. لذا حتی اگر نیروی کار در یک کشور در تولید دو کالا بهره‌وری بیشتری داشته باشد، آن کشور اگر در تولید یک کالا متخصص شود و از تولید کالای دیگر صرف نظر کند، به مزیت نسبی بالاتری دست خواهد یافت. بر اساس نظریه نئوکلاسیک‌ها (که تجارت بر مبنای مدل هکچر-اوهلین و با دو عامل تولید نیروی کار و سرمایه صورت می‌گرفت) بازده ثابت نسبت به مقیاس و بخش‌پذیر بودن عوامل تولید زمینه را برای رقابت کامل فراهم می‌آورد. مطابق نظریه‌های جدید تجارت نیز فناوری درون‌زا بوده و علاوه بر اختراع و نوآوری، کارایی در تولید، تخصص و مهارت، تخصصی نمودن زیرساخت‌ها، بومی کردن فناوری و بکارگیری صرفه‌های ناشی از مقیاس خارجی می‌تواند موجب تغییر مزیت نسبی کشورها شود (مزیت نسبی پویا) [۱]. در نهایت اینکه در نظریه‌های نوین تجارت توجه به مفهوم مزیت رقابتی^۲ معطوف شده است. در این نظریه‌ها، مزیت رقابتی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن بنگاه‌ها می‌توانند با بکارگیری روش‌های برتر و کارا تر محصولات با کیفیت عرضه نموده و در رقابت با سایر بنگاه‌ها به سود بیشتری دست یابند. در واقع، یک بنگاه تولیدی هنگامی دارای مزیت رقابتی است که بتواند به دلایلی همچون موقعیت جغرافیایی، بهبود فناوری، داشتن نیروی کار متخصص و... به طور مدام تولیدات خود را نسبت به رقبای خود با هزینه پایین‌تر و البته کیفیت بالاتر عرضه کند.

بنابراین به طور کلی می‌توان عنوان

بهبود بخشند. در سطح ملی نیز اوضاع به همین شکل است و کشورهایی که در بازارهای جهانی با یکدیگر رقابت می‌کنند، می‌توانند به راحتی سطح رقابت‌پذیری خود را بسنجند و برای ارتقاء آن برنامه‌ریزی نمایند. اگرچه مفهوم رقابت‌پذیری در همه معانی و ابعاد دارای اهمیت است، ولی امروزه با در گرفتن موضوعاتی همچون خصوصی سازی‌های گسترده، سرعت بالای تغییرات فنی و فناورانه، افزایش تولید و تکثیر دانش، گسترش بازارها و نیز پدیده جهانی سازی نقش رقابت‌پذیری در سطح کلان (رقابت‌پذیری ملی) پررنگ‌تر از سایر ابعاد و معانی شده است. به همین دلیل سیاستگذاران اقتصادی کشورهای مختلف سعی دارند از طریق اصلاح قیمت‌های نسبی عوامل، ایجاد تغییرات ساختاری و فناورانه، تسهیل شرایط تولید و تکثیر دانش، استفاده از خلاقیت و نوآوری در فعالیت‌های تولیدی، متنوع نمودن محصولات تولیدی و صادراتی، اصلاح و تسهیل قوانین و مقررات تولیدی و تجاری زمینه را برای افزایش کارایی بازارهای گوناگون، بهبود فضای کسب و کار و ارتقاء توان رقابت‌پذیری محصولات تولید شده در کشورهايشان فراهم نموده و به حفظ و یا افزایش سهم خود از بازارهای بین‌المللی کمک نمایند. از این رو، شناخت عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری ملی در جهت نیل به رشد و توسعه اقتصادی مستمر و باثبات ضرورتی انکار ناپذیر می‌باشد.

سابقه بررسی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری به سال‌های دور و نظریات کلاسیک‌ها در مورد تجارت و رقابت باز می‌گردد. طبق نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت، تقسیم کار موجب افزایش صرفه‌های ناشی از مقیاس شده و لذا به افزایش بهره‌وری می‌انجامد. از این رو، کشورها

1. Dynamic Comparative Advantage
2. Competitive Advantage

لذا می‌توان از آن برای ارزیابی مقایسه‌ای وضعیت رقابت‌پذیری کشورهای مختلف و نهادهای بین‌المللی استفاده نمود. بنابراین در این مطالعه از گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۱-۲۰۱۰ برای تبیین موقعیت کشورهای عضو اوپک^۱ در زمینه رقابت‌پذیری و نیز ارزیابی وضعیت عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری کشورهای عضو اوپک استفاده می‌شود. البته با توجه به اینکه طبق بررسی‌ها از یک سو، در بین سه دسته از مؤلفه‌ها، مؤلفه نوآوری تعیین‌کننده‌ترین و به بیان دیگر، مانع اصلی کشورهای عضو اوپک در راستای افزایش قدرت رقابت‌پذیری آنهاست و از سوی دیگر، توان رقابتی این کشورها بیشتر متکی به مؤلفه نیازهای اساسی می‌باشد، از این رو، تمرکز این مطالعه بر بررسی مؤلفه‌های نیازهای اساسی و نوآوری اثرگذار بر رقابت‌پذیری در بین کشورهای عضو اوپک قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری و تعریف مؤلفه‌ها

بیش از سه دهه است که گزارش سالانه رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد^۲ بسیاری از متغیرهایی که اقتصاد ملی را قادر به دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و شکوفایی بلندمدت می‌نماید، مورد آزمون قرار داده است. هدف این گزارش‌ها در طول این سال‌ها فراهم کردن ابزارهای سنجش مقایسه‌ای برای سیاستگذاران و تصمیم‌گیران به منظور شناخت موانع ارتقاء رقابت‌پذیری و بحث‌های مهیج بر سر راهکارها و راهبردهای غلبه بر آنها بوده است. در این گزارش‌ها، رقابت‌پذیری به صورت مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و متغیرهای تعیین‌کننده سطح بهره‌وری یک کشور تعریف می‌شود. سطح بهره‌وری نیز به نوبه خود به صورت مجموعه‌ای از سطوح رفاه

صادرکننده نفت یعنی اوپک می‌باشد. اوپک یک سازمان بین‌المللی نفتی است که دوازده عضو شامل کشورهای اکوادور، الجزایر، امارات، ایران، آنگولا، عراق، عربستان، قطر، کویت، لیبی، نیجریه و ونزوئلا دارد. این سازمان در سال ۱۹۶۰ برای دستیابی به اهدافی همچون هماهنگی و یکپارچه‌سازی سیاست‌های نفتی کشورهای عضو و تعیین بهترین راه برای تأمین منافع جمعی یا فردی آنها، طراحی شیوه‌هایی برای تضمین ثبات قیمت نفت در بازار بین‌المللی به منظور از بین بردن نوسانات مضر و غیر ضروری، توجه خاص به ضرورت فراهم کردن درآمد ثابت برای کشورهای تولیدکننده نفت و تأمین نفت کشورهای مصرف‌کننده به صورت کارآمد، مقرون به صرفه و همیشگی توسط کشورهای ایران، عراق، عربستان، کویت و ونزوئلا پایه‌گذاری و تشکیل شد. طبق برآوردها اعضای فعلی اوپک تولیدکننده قریب به ۴۰ درصد از نفت جهان هستند و حدود دو سوم (۶۵ درصد) ذخایر نفتی شناخته شده جهان در اختیار آنها قرار دارد.

با توجه به تمام مواردی که اشاره شد و با در نظر گرفتن نقش انکارناپذیر رقابت‌پذیری در تجارت خارجی و رشد اقتصادی کشورهای مختلف نظیر کشورهای نفتی عضو اوپک، شناخت جایگاه شاخص کلی رقابت‌پذیری و نیز تبیین وضعیت مؤلفه‌های مختلف اثرگذار بر توان رقابتی این کشورها حائز اهمیت است. از طرفی نیز، با توجه به اینکه گزارش‌های سالانه رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد بیش از سه دهه است بسیاری از متغیرهایی که اقتصاد ملی را قادر به دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و شکوفایی بلندمدت می‌نماید، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد،

سمت استفاده گسترده‌تر از نوآوری و خلاقیت در فرایند تولید و در نتیجه ارائه محصولات با قابلیت رقابت با نمونه‌های مشابه در بازارهای بین‌المللی هدایت نماید [۲]، [۳]، [۶] و [۷]. البته در این میان شاخص‌های مورد استفاده برای نشان‌دادن توان رقابتی بنگاه‌ها و حتی کشورها نیز متنوع و متفاوت هستند. همانطور که اشاره شد یکی از چالشی‌ترین ابعاد و معانی رقابت‌پذیری، مفهوم رقابت‌پذیری در سطح کلان است که این بعد از رقابت‌پذیری را می‌توان با استفاده از شاخص‌های رقابت‌پذیری سازمان‌های بین‌المللی نظیر مجمع جهانی اقتصاد (WEF)، بانک جهانی (WB)، صندوق بین‌المللی پول (IMF) و نیز مؤسسه توسعه مدیریت (IMD) مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داد. از جمله قدیمی‌ترین و جامع‌ترین شاخص‌های رقابت‌پذیری را می‌توان در گزارش رقابت‌پذیری جهانی که هر ساله توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود، جستجو کرد. در واقع، برآیند و اصول کلی نظریات موجود در زمینه پیش‌نیازها و عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری را می‌توان در گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد یافت. در این گزارش‌ها مؤلفه‌های مختلف اثرگذار بر توان رقابت‌پذیری کشورها در قالب سه دسته متغیرهای نیازهای اساسی، کارایی محور و نوآوری محور آورده شده است. در آخرین گزارش رقابت‌پذیری جهانی که مربوط به سال ۲۰۱۱-۲۰۱۰ می‌شود، وضعیت مؤلفه‌های مختلف اثرگذار بر توان رقابت‌پذیری ۱۳۹ کشور از قاره‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از سازمان‌هایی که وضعیت کشورهای عضو آن در این گزارش مورد اشاره و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، سازمان کشورهای

۱- باید خاطر نشان ساخت از جمع کشورهای عضو اوپک عراق به دلیل فقدان آمار در گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۱-۲۰۱۰ از تحلیل‌ها کنار گذاشته شده است.

ارزیابی وضعیت رقابت پذیری کشورهای عضو اوپک ...
ابوالفضل شاه آبادی، حامد صادقی

مؤلفه اول: نهادها^۱

محیط نهادی به وسیله چارچوب‌های قانونی و اداری که اشخاص، بنگاه‌ها و دولت بر اساس آنها به ایجاد درآمد و خلق ثروت واکنش نشان می‌دهند، تعیین می‌شود. امروزه اهمیت وجود محیط نهادی سالم و بی‌طرف در شرایط بروز رکود اقتصادی که موجب افزایش فزاینده نقش‌های ایفا شده توسط دولت در بسیاری از کشورهای دنیا می‌شود، ملموس‌تر و آشکارتر گردیده است. کیفیت نهادها ارتباط تنگاتنگی با رقابت پذیری و رشد اقتصادی دارد و می‌تواند ضمن تأثیر گذاشتن بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و سازماندهی تولید، نقش کلیدی نیز در نحوه توزیع منافع و میزان تحمل هزینه‌های سیاست‌ها و راهبردهای توسعه یک جامعه ایفا نماید. نحوه رفتار دولت در مورد بازارها، آزادی و کارایی تصمیمات او نیز اهمیت بسیاری دارد: بوروکراسی بیش از حد و تشریفات زائد اداری، قوانین اضافی، فساد، خیانت و سوء استفاده از قراردادهای عمومی، فقدان شفافیت و قابلیت اعتماد و عدم استقلال سیاسی سیستم قضایی هزینه‌های اقتصادی معناداری را به فعالان اقتصادی و تجار تحمیل کرده و فرایند توسعه اقتصادی را کند می‌کند. به علاوه، مدیریت صحیح سرمایه‌های عمومی نیز نقش کلیدی در ایجاد حس اعتماد و اطمینان در محیط تجارت یک کشور دارد. شاخص‌های کیفیت مدیریت دولتی سرمایه‌های عمومی به نحوه مکمل مقیاس‌های ثبات اوضاع کلان اقتصادی است که در رکن سوم به آنها پرداخته می‌شود. اگر چه در ادبیات اقتصادی تمرکز اصلی بر نهادهای عمومی بوده است، با این حال نهادهای خصوصی نیز از ارکان کلیدی فرایند تولید ثروت به شمار می‌روند. رسوایی‌های

رقابت پذیری بلندمدت در میان ضرورت‌ها و نیازهای اضطراری کوتاه‌مدت گم شده و مورد غفلت قرار گیرند. در حقیقت، به منظور آماده سازی بسترهای بالقوه لازم برای رشد میان‌مدت و بلندمدت باید راهبردهای موجود با تلاش‌های مستمر ارتقاء دهنده رقابت پذیری که عدم تعادل مالی را کاهش می‌دهند، توأم گردند.

ارکان رقابت پذیری

طی سال‌های اخیر متغیرهای بسیاری به عنوان محرک‌های بهره‌وری و رقابت پذیری مطرح شده‌اند، که شناخت و درک عوامل پشت این فرایند فکر اقتصاددانان را به خود مشغول کرده است. این تلاش‌ها از تأکید آدام اسمیت بر تخصصی کردن فعالیت‌ها و تقسیم نیروی کار تا تمرکز اقتصاددانان نئوکلاسیک بر سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و زیرساخت‌ها و اخیراً نیز توجه به سایر ساز و کارها نظیر آموزش، فرایند پیشرفت فناوری، ثبات اوضاع کلان اقتصادی، حکمرانی خوب، عملکرد مناسب بنگاه‌ها، کارایی بازارها و سایر موارد را در بر می‌گیرد. این نظرات متنوع و گوناگون به وسیله شاخص رقابت پذیری جهانی به صورت ارائه میانگین وزنی از مؤلفه‌های متعدد بسیاری که هر کدام جنبه‌های مختلف رقابت پذیری را اندازه‌گیری می‌کنند، تبیین می‌شود. این مؤلفه‌ها را در سه دسته مؤلفه‌های نیازهای اساسی، کارایی محور و نوآوری محور و تحت عنوان "ارکان دوازده گانه رقابت پذیری" دسته‌بندی می‌کنند که چون تمرکز این مطالعه بر متغیرهای نیازهای اساسی و نوآوری می‌باشد، لذا در ادامه به تعریف و تحلیل ساز و کار اثرگذاری هر کدام از این مؤلفه‌ها بر رقابت پذیری پرداخته می‌شود:

اقتصادی دست یافتنی که هر کشور می‌تواند به آن برسد، تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، اقتصادهای با قدرت رقابت پذیری بالاتر قادرند سطوح بالاتری از درآمد را برای شهروندان خود مهیا نمایند. سطح بهره‌وری همچنین نرخ‌های بازگشت سرمایه‌گذاری‌ها (فیزیکی، انسانی و فناورانه) در اقتصاد را تعیین می‌کند. بنابراین مفهوم رقابت پذیری مؤلفه‌های ایستا و پویا را در بر می‌گیرد. اقتصادهای دارای قدرت رقابت پذیری، اقتصادهایی هستند که عوامل محرک بهره‌وری آنها به درستی در جهت افزایش رفاه و کامیابی بکار گرفته شده است. از سال ۲۰۰۵ به بعد مجمع جهانی اقتصاد، تحلیل‌های رقابت پذیری خود را بر مبنای شاخص رقابت پذیری جهانی^۱ با طیف وسیعی از شاخص‌های سنجش رقابت پذیری ملی که بسیاری از ارکان اصلی خرد و کلان اثرگذار بر رقابت پذیری ملی را در بر دارد، قرار داده است. گزارش رقابت پذیری جهانی^۲ ۲۰۱۱-۲۰۱۰ در حالی منتشر می‌شود که در اقتصاد جهانی همچنان نااطمینانی ادامه دارد. دولت‌هایی که قواعد سیاستی فعال را در نشانه‌یابی بحران‌های ناشی از رکود اقتصادی دنبال می‌کنند، برای کنترل بدهی‌های روزافزون خود محرک‌های مالی را پرداخت می‌نمایند. در حالی که در اکثر مناطق اقتصادها به وضعیت رشد قبلی خود باز گشته‌اند، ولی اقتصادهای توسعه‌یافته همچنان با سختی‌های دنباله‌داری نظیر بیکاری پایدار (مداوم)، تقاضای ضعیف، بدهی‌های ماریپیچی^۳ مواجه‌اند و با اصلاحات بازارهای مالی و نیروی کار در کنار سایر مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند. در این شرایط سیاستگذاران با چالش‌های دشوار مدیریت اقتصادی روبرو هستند. ولی در اوضاع نابسامان اقتصادی امروز نباید ارکان

1. Global Competitiveness Index
2. Global Competitiveness Report

3. Spiraling Debt
4. Institutions

توانایی‌اش کار کند و بهره‌وری پائینی خواهد داشت. سیستم بهداشتی ضعیف و نامناسب هزینه‌های زیادی را بر فعالان اقتصادی تحمیل می‌کند. به عنوان مثال، نیروی کار بیمار اغلب غایب است و در صورت حضور نیز با کارایی بسیار پایین وظایف محوله را به انجام می‌رساند. بنابراین سرمایه‌گذاری در زمینه بهداشت و خدمات بهداشتی از ملزومات داشتن یک اقتصاد سالم به حساب می‌آید. این مؤلفه در کنار سطح بهداشت، کمیّت و کیفیت آموزش مقدماتی که شهروندان دریافت می‌کنند را به عنوان متغیری که امروزه اهمیت فزاینده‌ای در اقتصاد پیدا کرده است، مدنظر قرار داده و محاسبه می‌کند. آموزش مقدماتی کارایی هر کارگر را به طور جداگانه افزایش می‌دهد. به علاوه، نیروی کاری که فقط بخشی از آموزش‌های معمول اندک را دیده است تنها می‌تواند کارهای دستی ساده انجام دهد و برای وی سازگار شدن با فرایندها و تکنیک‌های تولیدی پیچیده بسیار دشوار خواهد بود. بنابراین فقدان آموزش ابتدایی می‌تواند به عنوان یک محدودیت در مسیر توسعه فعالیت‌های کسب و کار و تولید محصولات با ارزش و پیچیده قلمداد شود. علیرغم اینکه بودجه دولت برای کاهش بدهی‌های عمومی ناشی از پرداخت محرک‌های مالی نیازمند این است که محدود شود، ولی با این حال می‌باید در بلندمدت از کاهش قابل ملاحظه منابع اختصاص یافته به بهداشت و آموزش ابتدایی جلوگیری کرد.

مؤلفه پنجم: تکامل بخش کسب و کار^۴

پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری عامل مهمی در کارایی بالاتر تولید کالاها و خدمات به شمار می‌رود. در واقع تکامل بنگاه‌های

1. Infrastructure
2. Macroeconomic Environment

اینکه شبکه ارتباط مخابراتی گسترده و قابل اعتماد اجازه جریان سریع و رایگان اطلاعات را فراهم می‌کند و در مجموع موجب افزایش کارایی اقتصادی از طریق کمک به بازرگانان برای برقراری ارتباط آسان و دادن تضمین به آنها در مورد در نظر گرفتن همه اطلاعات مرتبط در دسترس به هنگام تصمیم‌گیری‌ها می‌گردد.

مؤلفه سوم: فضای کلان اقتصادی^۲

ثبات در محیط کلان اقتصاد برای تجارت و بالتبع برای رقابت‌پذیری یک کشور حائز اهمیت است. اگر چه به طور قطع، ثبات اوضاع کلان اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند بهره‌وری ملی را افزایش دهد، ولی با این حال نباید فراموش کرد که ناآرامی و اغتشاش نیز برای اقتصاد مضر است. یقیناً چنانچه دولت مجبور باشد برای بدهی‌های گذشته‌اش پرداخت‌هایی با نرخ‌های بهره بالا داشته باشد، نمی‌تواند خدمات با کیفیت و مؤثری را ارائه دهد. کسری مالی جاری توانایی‌های آینده دولت برای واکنش به چرخه‌های تجاری را محدود می‌کند. زمانی که نرخ تورم خارج از کنترل باشد، بنگاه‌ها نمی‌توانند به صورت کارآ عمل نمایند. در مجموع می‌توان گفت اقتصاد نمی‌تواند به خوبی رشد کند مگر اینکه محیط کلان اقتصاد باثبات باشد. این موضوع اخیراً از طریق بحث بر روی راهبردهای موجود در زمینه کاهش کسری پرداخت‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

مؤلفه چهارم: بهداشت و آموزش ابتدایی^۳

نیروی کار سالم برای بهره‌وری و رقابت‌پذیری کشور بسیار حیاتی است. نیروی کاری که مریض باشد نمی‌تواند مطابق

3. Health and Primary Education
4. Business Sophistication

بی‌شمار شرکت‌ها در کنار بحران مالی جهانی اخیر ارتباط بین حسابداری خوب و ارائه گزارش‌های استاندارد با شفافیت را برای جلوگیری از سوء استفاده‌ها و سوء مدیریت‌ها و تضمین حکمرانی خوب و ایجاد حس اطمینان در سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان پررنگ‌تر کرده است.

مؤلفه دوم: زیرساخت‌ها^۱

وجود زیرساخت‌های گسترده و مؤثر همانگونه که عامل مهمی در تعیین جایگاه فعالیت اقتصادی و نوع فعالیت‌ها یا بخش‌هایی که می‌تواند در یک اقتصاد به خصوص توسعه یابد، می‌باشد، برای کارایی تصمیم‌های اقتصادی نیز ضروری است. زیرساخت‌هایی که به خوبی گسترش پیدا کرده باشند اثر دوری فواصل بین نواحی مختلف را کاهش داده و ضمن کمک به تکامل بازارهای داخلی، موجب برقراری ارتباط بین بازارهای نواحی مختلف و حتی بین کشورها با کمترین هزینه می‌شوند. به علاوه، کیفیت و گستردگی شبکه زیرساخت‌ها به طور معناداری بر رشد اقتصادی اثرگذار است و بر نابرابری درآمدی و فقر از راه‌های مختلف تأثیر می‌گذارد. وجود روش‌های حمل و نقل مؤثر نظیر جاده‌ها، خطوط راه آهن، بنادر کشتیرانی و حمل و نقل هوایی کارا به فعالین بخش کسب و کار این امکان را می‌دهد تا کالاها و خدمات خود را به صورت کاملاً مطمئن و در زمان مناسب به بازارهای هدف برسانند و به تسهیل حرکت نیروی کار برای دسترسی به مشاغل مناسب‌تر کمک می‌کند. همچنین اقتصادها به جریان برق مداوم و بدون کمبود وابسته‌اند تا از آن طریق شرکت‌ها و کارخانه‌ها بتوانند بدون وقفه به فعالیت بپردازند. در نهایت

ارزیابی وضعیت رقابت‌پذیری کشورهای عضو اوپک ...
ابوالفضل شاه‌آبادی، حامد صادقی

مسیر ارتقاء توان رقابت‌پذیری عربستان با بهترین راه حل برای امارات متفاوت است. دلیل عمده این موضوع نیز به متفاوت بودن درجه توسعه‌یافتگی کشورها باز می‌گردد؛ هنگامی که کشوری در مسیر توسعه‌اش از مرحله‌ای به مرحله بالاتر گام بر می‌دارد؛ متناظر و همراستا با این حرکت رو به جلو، بهره‌وری نیروی کار نیز می‌باید افزایش یابد [۶] و [۱۰]. براساس تئوری‌های اقتصادی مربوط به مراحل توسعه‌یافتگی و مطابق گزارش رقابت‌پذیری جهانی در این مطالعه نیز کشورهای عضو سازمان اوپک با توجه به مراحل توسعه‌یافتگی‌شان دسته‌بندی می‌شوند. در مرحله اول، اقتصاد منابع محور است و کشورها بر اساس منابع موجودشان شامل نیروی کار ساده و منابع طبیعی وارد رقابت می‌شوند. اساس رقابت‌پذیری در این کشورها عمدتاً بر مؤلفه‌های اساسی همچون نهادهای عمومی و خصوصی، زیرساخت‌های توسعه‌یافته، ثبات نسبی محیط کلان اقتصادی و نیروی کار دارای حداقل آموزش‌های اولیه استوار است. هر چقدر کشورها به سمت رقابت‌پذیرتر شدن گام بر می‌دارند، بهره‌وری و نیز دستمزدها در آن کشورها همراستا با ارتقاء سطح توسعه‌یافتگی‌شان افزایش خواهد یافت. سپس کشورها به سوی مراحل کارایی محوری حرکت خواهند کرد که در این مراحل، مجدداً بهره‌وری نیروی کار افزایش یافته و به آنها این اجازه را می‌دهد که فرایندهای تولید کارا را توسعه دهند و کیفیت محصولات خود را بدون افزایش سطح قیمت‌ها، ارتقاء دهند. در چنین مرحله‌ای از توسعه‌یافتگی، افزایش قدرت رقابت‌پذیری مستلزم توجه به مؤلفه‌های ارتقاءدهنده کارایی نظیر افزایش سطح آموزش و بهداشت، بازار کالای کارا، بازار نیروی

می‌تواند بهبود یابد. نوآوری برای اقتصاد کشورها هنگامی که حرکت آنها به سمت مرزهای دانش است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اگرچه کشورهای کمتر توسعه‌یافته همچنان می‌توانند سطح بهره‌وری خود را از طریق جذب فناوری‌های موجود و یا بهبود سایر بخش‌های اقتصاد بالا ببرند، ولی برای کشورهایی که به مرحله نوآوری از توسعه‌یافتگی رسیده‌اند، این روش‌های افزایش بهره‌وری چندان مؤثر و کارساز نیست. بنگاه‌های این کشورها می‌بایست برای باقی‌ماندن در عرصه رقابت با رقبای دنیای طراحی و توسعه محصولات و فرایندهای جدید باشند. این امر مستلزم وجود محیطی است که در آن شرایط فعالیت‌های نوآورانه فراهم بوده و بخش‌های خصوصی و عمومی از این کار حمایت کنند. به عبارت دیگر، این موضوع به معنای سرمایه‌گذاری کافی در تحقیق و توسعه (R&D) به ویژه توسط بخش خصوصی، وجود نهادهای تحقیقات علمی با کیفیت بالا، گسترش همکاری‌های دوسویه بین دانشگاه و صنعت و نیز حمایت از مالکیت معنوی است. در شرایط نااطمینانی موجود در اقتصاد، ایستادگی در مقابل فشارها در جهت کاهش هزینه‌های R&D - در سطوح خصوصی و عمومی - که زمینه‌ساز رشد مستمر در آینده است، ضروری می‌باشد.

معرفی کشورها و موقعیت کلی آنها

وضعیت کشورها از نظر توسعه‌یافتگی

در حالی که تمام ارکان و مؤلفه‌های رقابت‌پذیری برای همه کشورها حائز اهمیت است، ولی با این حال معلوم است که ساز و کار و نیز میزان اثرگذاری آنها بر توان رقابتی در همه کشورها یکسان نیست. یعنی

تجاری موجب افزایش بهره‌وری شده و از آن طریق به بهبود رقابت‌پذیری ملی کمک می‌نماید. پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری به کیفیت شبکه‌های تجاری در سراسر کشور و نیز کیفیت راهبردها و عملکردهای بنگاه‌های شخصی بستگی دارد. این موضوع به ویژه برای کشورهای توسعه‌یافته که در آنها منابع معمول و متداول ارتقاء بهره‌وری به میزان بسیار زیادی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد. کیفیت شبکه‌های تجاری و صنایع حمایتی کشور که به صورت کمیّت و کیفیت تهیه کنندگان محلی و میزان واکنش‌های آنها اندازه‌گیری می‌شود، بنا به دلایل مختلف اهمیت دارد. زمانی که کارخانه‌ها و تهیه‌کنندگان یک بخش خاص در گروه‌های جغرافیایی مشابه با هم مرتبط می‌شوند (تشکیل یک خوشه می‌دهند)، کارایی افزایش یافته، فرصت‌های نوآوری بیشتری فراهم شده و موانع ورود بنگاه‌های جدید کاهش می‌یابد. عملکرد و راهبردهای بنگاه فردی (برندسازی، بازاریابی، وجود زنجیره ارزش و تولید محصول بی‌نظیر و پیشرفته) همگی منجر به فرایند تجاری تکامل‌یافته و مدرن می‌شوند.

مؤلفه ششم: نوآوری^۱

رکن دیگر رقابت‌پذیری، نوآوری فناورانه است. گرچه می‌توان از طریق بهبود نهادها، ایجاد زیرساخت‌ها، کاهش بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان و یا ارتقاء سرمایه انسانی به منافع قابل توجهی دست یافت، ولی همه این عوامل در نهایت دچار بازده نزولی می‌شوند. این موضوع برای کارایی بازار نیروی کار، مالی و کالا نیز صادق است. استانداردهای زندگی در بلندمدت تنها از طریق نوآوری فناورانه

جدول ۱- فهرست کشورها در هر یک از مراحل توسعه [۱۰]

مرحله اول	گذار از اول به دوم	مرحله دوم	گذار از دوم به سوم	مرحله سوم
نیجریه	الجزایر	اکوادور		امارات
	آنگولا			
	اندونزی			
	ایران			
	کویت			
	لیبی			
	قطر			
	عربستان			
	ونزوئلا			

کار منسجم و فعال، بازار مالی توسعه‌یافته، توانایی خلق فناوری جدید و استفاده بهینه از فناوری موجود و نیز بازار داخلی و یا خارجی بزرگ می‌باشد. در نهایت، زمانی که کشورها به اقتصادهای نوآوری محور تبدیل می‌شوند، سطح درآمد به قدری افزایش خواهد یافت که امکان دسترسی به استانداردهای بالای زندگی برای ساکنین آن کشورها فراهم می‌گردد. در این مرحله، کشورها می‌بایست از طریق ارائه محصولات جدید و متفاوتی که با استفاده از بنگاه‌های پیشرفته و توسعه‌یافته و از کانال نوآوری تولید شده‌اند، گام به میدان رقابت بگذارند [۷] و [۱۰].

در گزارش رقابت‌پذیری جهانی، مراحل مختلف توسعه برحسب وزن نسبی بیشتر به مؤلفه‌هایی که ارتباط و نزدیکی بیشتری با اقتصادهای آن مرحله از توسعه دارند، طبقه‌بندی شده‌اند. در واقع، هر چند همه ارکان رقابت‌پذیری در تمام کشورها حائز اهمیت می‌باشند، ولی اهمیت نسبی هر یک از آن مؤلفه‌ها برای هر کشوری به این بستگی دارد که آن کشور در کدام مرحله از توسعه یافتگی قرار دارد. به عنوان مثال، وزن نسبی مؤلفه‌های نیازهای اساسی برای اقتصادهای منابع محور ۶۰ درصد است، در حالی که وزن نسبی همین مؤلفه برای اقتصادهای کارایی محور و نوآوری محور به ترتیب ۴۰ درصد و ۲۰ درصد می‌باشد [۱۰]. بنابر آنچه در بالا بیان شد، در این مطالعه مطابق طبقه‌بندی گزارش رقابت‌پذیری جهانی، یازده کشور عضو اوپک بر اساس درجه توسعه‌یافتگی در پنج گروه دسته‌بندی می‌شوند. مطابق اطلاعات جدول ۱، کشور نیجریه تنها کشوری است که در مرحله اول توسعه‌یافتگی قرار دارد و نه کشور از جمله عربستان و قطر در مرحله گذار

وضعیت کشورها از نظر شاخص کلی رقابت‌پذیری

به منظور ارائه تحلیل بهتر و جامع‌تر از وضعیت مؤلفه‌های نیازهای اساسی و نوآوری، در این قسمت به تبیین جایگاه شاخص کلی رقابت‌پذیری و شاخص‌های سه‌گانه آن در بین کشورهای نفتی اوپک بر اساس گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۱-۲۰۱۰ می‌پردازیم. همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در میان کشورهای عضو اوپک کشورهای قطر، عربستان و امارات به ترتیب با کسب امتیازهای ۵/۱۰، ۴/۹۵ و ۴/۸۹ و رتبه‌های جهانی ۱۷، ۲۱ و ۲۵ بهترین عملکرد را در زمینه شاخص کلی رقابت‌پذیری به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که کشورهای ونزوئلا، نیجریه و آنگولا به ترتیب با امتیازهای ۳/۴۸، ۳/۳۸ و ۲/۹۳ و در اختیار داشتن رتبه‌های جهانی ۱۲۲، ۱۲۷ و ۱۳۸ ضعیف‌ترین عملکرد را داشته‌اند. البته در این میان، کشورهای ایران، الجزایر و لیبی به ترتیب با کسب امتیازهای ۴/۱۴، ۳/۹۶ و ۳/۷۴ و رتبه‌های جهانی ۶۹، ۸۶ و ۱۰۰ عملکرد متوسطی به نمایش گذاشته‌اند و در میانه‌های جدول مربوط به رقابت‌پذیری کشورهای عضو اوپک ایستاده‌اند. لازم است

از اول به دوم قرار دارند. کشور اکوادور نیز در مرحله دوم جای گرفته است و در حالی که هیچ کشوری در گذار از مرحله دوم به سوم قرار ندارد، فقط امارات توانسته است به مرحله سوم توسعه یافتگی به عنوان بالاترین مرحله از توسعه‌یافتگی گذر نماید. بیش از ۸۰ درصد کشورهای عضو سازمان اوپک در مراحل اول توسعه‌یافتگی بر مبنای دسته‌بندی گزارش رقابت‌پذیری قرار دارند که این امر از یک سو، نشان دهنده متکی بودن قدرت رقابت‌پذیری این کشورها بر مؤلفه‌های اساسی نظیر زیرساخت‌ها می‌باشد و از سوی دیگر، بیانگر بالا بودن حجم صادرات منابع طبیعی به ویژه نفت در این کشورها است. همه این موارد بدان معنی است که ضمن پایین بودن سطح رقابت‌پذیری در این کشورها، همان میزان اندک رقابت‌پذیری نیز بر مؤلفه‌های اساسی که بیشتر به کمک درآمدهای نفتی ایجاد و بهبود یافته‌اند، استوار می‌باشد. از این رو، شناخت وضعیت رقابت‌پذیری در کشورهای عضو اوپک و نیز بررسی موانع و مشکلات اصلی این کشورها در راستای بالا بردن توان رقابتی‌شان امری ضروری و راهگشاست.

ارزیابی وضعیت رقابت پذیری کشورهای عضو اوپک ...
ابوالفضل شاه آبادی، حامد صادقی

جدول ۲- وضعیت شاخص کلی و زیرشاخه‌های اصلی رقابت پذیری در کشورهای عضو اوپک ۲۰۱۰-۲۰۱۱ [۱۰]

قطر	عربستان	امارات	کویت	ایران	الجزایر	لیبی	اکوادور	ونزوئلا	نیجریه	آنگولا	متوسط
۵۱۰	۴۹۵	۴۸۹	۴۵۹	۴۱۴	۳۹۶	۳۷۴	۳۶۵	۳۴۸	۳۳۸	۲۹۳	۴۰۷
۱۷	۲۱	۲۵	۳۵	۶۹	۸۶	۱۰۰	۱۰۵	۱۲۲	۱۲۷	۱۳۸	-
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	-
۵۷۳	۵۳۲	۵۸۲	۵۱۶	۵۵۸	۴۳۲	۴۲۰	۴۱۵	۳۶۶	۳۱۱	۲۸۴	۴۵۴
۱۳	۲۸	۸	۳۶	۶۳	۸۰	۸۸	۹۲	۱۱۷	۱۳۶	۱۳۸	-
۲	۳	۱	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	-
۴۶۸	۴۶۷	۴۸۲	۴۰۲	۳۷۶	۳۴۹	۳۱۹	۳۴۱	۳۴۳	۳۸۳	۳۱۵	۳۸۶
۲۶	۲۷	۲۱	۶۸	۹۰	۱۰۷	۱۲۷	۱۱۵	۱۱۳	۸۴	۱۳۰	-
۲	۳	۱	۴	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۱	-
۴۶۸	۴۳۷	۴۲۷	۳۵۷	۳۳۴	۳۰۴	۲۶۲	۲۸۹	۲۳۲	۲۳۳	۲۵۰	۳۳۹
۲۳	۲۶	۲۷	۶۰	۸۲	۱۰۸	۱۲۵	۱۲۴	۱۲۹	۸۳	۱۳۹	-
۱	۲	۳	۴	۵	۷	۱۰	۸	۹	۶	۱۱	-

در مورد شاخص نوآوری محور رقابت پذیری، کشورهای قطر، عربستان و امارات به ترتیب با کسب امتیازهای ۴/۴۸، ۴/۴۱ و ۴/۳۷ و رتبه‌های جهانی ۲۳، ۲۶ و ۲۷ بهترین عملکرد، کشورهای ایران، نیجریه و الجزایر نیز به ترتیب با رتبه‌های جهانی ۸۲، ۸۳ و ۱۰۸ و کسب امتیازهای ۳/۳۴، ۳/۳۳ و ۳/۰۴ عملکرد متوسط و همچنین کشورهای ونزوئلا، لیبی و آنگولا به ترتیب با امتیازهای ۲/۷۹، ۲/۶۲ و ۲/۵۰ و در اختیار داشتن رتبه‌های جهانی ۱۲۹، ۱۳۵ و ۱۳۹ ضعیف‌ترین عملکرد را در میان کشورهای اوپک داشته‌اند. در پایان همانگونه که از ستون آخر جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین شاخص‌های نیازهای اساسی، کارایی محور و نوآوری محور در کشورهای عضو اوپک به ترتیب ۴/۵۴، ۳/۸۶ و ۳/۳۹ می‌باشد. این امر از یکسو می‌تواند بیانگر دلیل قرار گرفتن اغلب کشورهای عضو اوپک در مراحل اولیه توسعه یافتگی باشد، چراکه اکثر این کشورها منابع محور بوده و وابستگی بالایی به منابع طبیعی و به خصوص نفت دارند و علیرغم بالا بودن نسبی درآمد سرانه در این کشورها چون بخش اعظم صادرات آنها نفت و مشتقات نفتی است، لذا میزان توسعه یافتگی

ترتیب با امتیازهای ۵/۸۲، ۵/۷۳ و ۵/۳۲ و رتبه‌های جهانی ۸، ۱۳ و ۲۸ بهترین عملکرد، کشورهای ایران، الجزایر و لیبی به ترتیب با کسب امتیازهای ۵/۵۸، ۴/۳۲ و ۴/۲۰ و در اختیار داشتن رتبه‌های جهانی ۶۳، ۸۰ و ۸۸ عملکرد متوسط و همچنین کشورهای ونزوئلا، نیجریه و آنگولا به ترتیب با امتیازهای ۳/۶۶، ۳/۱۱ و ۲/۸۴ و رتبه‌های جهانی ۱۱۷، ۱۳۶ و ۱۳۸ ضعیف‌ترین عملکرد را در میان کشورهای عضو اوپک داشته‌اند. همچنین در حالی که کشورهای اکوادور، لیبی و آنگولا به ترتیب با رتبه‌های جهانی ۱۱۵، ۱۲۷ و ۱۳۰ و کسب امتیازهای ۳/۴۱، ۳/۱۹ و ۳/۱۵ ضعیف‌ترین عملکرد را در ارتباط با شاخص‌های کارایی محور از خود به نمایش گذاشته‌اند، کشورهای امارات، قطر و عربستان توانسته‌اند به ترتیب با امتیازهای ۴/۸۲، ۴/۶۸ و ۴/۶۷ و در اختیار داشتن رتبه‌های جهانی ۲۱، ۲۶ و ۲۷ بهترین عملکرد را به خود اختصاص دهند. در این میان کشورهای نیجریه، ایران و الجزایر نیز با رتبه‌های جهانی ۸۴، ۹۰ و ۱۰۷ و کسب امتیازهای ۳/۸۳، ۳/۷۶ و ۳/۴۹ عملکرد متوسطی را در میان کشورهای عضو اوپک داشته‌اند و در نهایت

در مورد شاخص کلی رقابت پذیری میان کشورهای عضو اوپک به چند نکته توجه نمود. اول اینکه از میان کشورهای عضو اوپک هیچ کدام از کشورها حائز رتبه تک رقمی نشده است و تنها کشور قطر می‌باشد که رتبه جهانی زیر بیست را به خود اختصاص داده است. از میان بازده کشور اوپک، تنها چهار کشور وجود دارد که رتبه جهانی زیر پنجاه دارند، در حالی که پنج کشور با رتبه‌های جهانی سه رقمی در این بین حاضر هستند. به علاوه، کشور آنگولا با کسب رتبه جهانی ۱۳۸ در جایگاه ماقبل آخر گزارش رقابت پذیری جهانی سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ ایستاده است. همچنین از میان چهار کشور قطر، عربستان، امارات و کویت تنها کشور امارات است که توانسته به مرحله سوم از توسعه یافتگی برحسب تقسیم‌بندی گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد وارد شود و سه کشور دیگر همگی علیرغم داشتن امتیازهای نسبتاً بالا، در مرحله گذر از اول به دوم توسعه یافتگی قرار گرفته‌اند که این امر بیانگر منابع محور بودن این اقتصادها و وابستگی بالای توان رقابت پذیری آنها به منابع طبیعی و به ویژه نفت و درآمدهای ارزی ناشی از صادرات این منبع خدادادی است. در کنار این موارد همچنین باید عنوان داشت، کشورهای ونزوئلا، نیجریه و آنگولا هم که در رتبه‌های بسیار پایین گزارش رقابت پذیری جهانی ایستاده‌اند، در مراحل اولیه توسعه قرار دارند. یعنی در این کشورها ضمن پایین بودن توان رقابتی و درآمد سرانه، همان میزان اندک توان رقابتی نیز بر زیرساخت‌های فراهم شده توسط صادرات نفت خام و درآمدهای ارزی ناشی از آن استوار است.

در شاخص مربوط به نیازهای اساسی، کشورهای امارات، قطر و عربستان به

جدول ۳- وضعیت مؤلفه نیازهای اساسی و شاخص‌های اصلی اثرگذار آن بر رقابت پذیری در کشورهای عضو اوپک ۲۰۱۱-۲۰۱۰ [۱۰]

متوسط	قطر										نیازهای اساسی											
	امتیاز	جهان	اوپک	امتیاز	جهان	اوپک	امتیاز	جهان	اوپک	امتیاز	جهان	اوپک										
۴.۵۴	۲.۸۴	۳.۱۱	۳.۶۶	۴.۱۵	۴.۲۰	۴.۳۲	۵.۵۸	۵.۱۶	۵.۸۲	۵.۳۲	۵.۷۳	۱۳	۲۸	۸	۳۶	۸۰	۶۳	۳۶	۴	۱	۳	۲
-	۱۳۸	۱۳۶	۱۱۷	۹۲	۸۸	۸۰	۶۳	۳۶	۸	۲۸	۵.۵۵	۱۰	۲۱	۲۰	۴۶	۸۲	۹۸	۴۶	۲۰	۲۱	۳	۱
۳.۹۰	۳.۲۲	۳.۱۸	۲.۴۳	۳.۰۵	۳.۳۴	۳.۴۶	۳.۷۴	۴.۴۵	۵.۲۵	۵.۲۲	۵.۲۴	۱۰	۲۱	۲۰	۴۶	۸۲	۹۸	۴۶	۲۰	۲۱	۳	۱
-	۱۱۹	۱۲۱	۱۳۹	۱۲۸	۱۱۱	۹۸	۸۲	۴۶	۲۰	۲۱	۵.۲۴	۱۰	۲۱	۲۰	۴۶	۸۲	۹۸	۴۶	۲۰	۲۱	۳	۱
۳.۷۳	۱.۸۶	۲.۰۲	۲.۸۲	۳.۱۸	۳.۲۲	۳.۴۹	۳.۷۵	۴.۱۱	۶.۲۶	۵.۰۷	۵.۲۴	۱۰	۲۱	۲۰	۴۶	۸۲	۹۸	۴۶	۲۰	۲۱	۳	۱
-	۱۳۶	۱۳۵	۱۰۸	۹۶	۹۵	۸۷	۷۴	۶۰	۳	۲۸	۵.۲۴	۱۰	۲۱	۲۰	۴۶	۸۲	۹۸	۴۶	۲۰	۲۱	۳	۱
۵.۰۱	۳.۶۱	۴.۲۵	۳.۹۰	۴.۷۶	۵.۷۳	۴.۷۵	۴.۹۶	۶.۴۲	۵.۶۵	۵.۳۵	۵.۷۱	۱۰	۲۱	۲۰	۴۶	۸۲	۹۸	۴۶	۲۰	۲۱	۳	۱
-	۱۲۲	۹۷	۱۱۳	۵۵	۷	۵۷	۴۵	۲	۱۲	۲۲	۵.۷۱	۱۰	۲۱	۲۰	۴۶	۸۲	۹۸	۴۶	۲۰	۲۱	۳	۱
۵.۱۵	۲.۶۶	۳.۰۰	۵.۴۷	۵.۶۱	۴.۵۳	۵.۵۶	۵.۸۹	۵.۶۸	۶.۱۴	۵.۶۴	۶.۴۳	۱۰	۲۱	۲۰	۴۶	۸۲	۹۸	۴۶	۲۰	۲۱	۳	۱
-	۱۳۹	۱۳۷	۸۶	۷۵	۱۱۵	۷۷	۵۴	۶۸	۳۸	۷۴	۶.۴۳	۱۰	۲۱	۲۰	۴۶	۸۲	۹۸	۴۶	۲۰	۲۱	۳	۱
۵.۱۵	۲.۶۶	۳.۰۰	۵.۴۷	۵.۶۱	۴.۵۳	۵.۵۶	۵.۸۹	۵.۶۸	۶.۱۴	۵.۶۴	۶.۴۳	۱۰	۲۱	۲۰	۴۶	۸۲	۹۸	۴۶	۲۰	۲۱	۳	۱
-	۱۳۹	۱۳۷	۸۶	۷۵	۱۱۵	۷۷	۵۴	۶۸	۳۸	۷۴	۶.۴۳	۱۰	۲۱	۲۰	۴۶	۸۲	۹۸	۴۶	۲۰	۲۱	۳	۱

آنها در سطح بالایی قرار نمی‌گیرد. از سوی دیگر، می‌تواند مشخص کننده دلیل این مطالعه برای تمرکز بر شاخص‌های نیازهای اساسی و نوآوری باشد، چرا که در کشورهای عضو اوپک میانگین شاخص نیازهای اساسی در مقایسه با دو شاخص دیگر بالاتر است و همین مؤید وابستگی بالای توان رقابت پذیری این کشورها به زیرساخت‌ها و نهادهاست و نیز میانگین شاخص نوآوری در کشورهای مورد بررسی پایین‌تر از دو شاخص دیگر است که بیانگر تعیین کننده بودن و به عبارت دیگر، مهمترین مانع ارتقاء توان رقابت‌پذیری در کشورهای مورد بررسی است.

تجزیه و تحلیل آماری

شاخص نیازهای اساسی

وضعیت مؤلفه‌های اصلی شاخص نیازهای اساسی کشورهای عضو اوپک براساس گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۱-۲۰۱۰ در جدول ۳ آورده شده است. مطابق اطلاعات جدول ۳، در مورد مؤلفه نهادها کشورهای قطر، امارات و عربستان به ترتیب با کسب امتیازهای ۵/۵۵، ۵/۲۵ و ۵/۲۲ و با در اختیار داشتن رتبه‌های جهانی ۱۰، ۲۰ و ۲۱ بهترین عملکرد، کشورهای ایران، الجزایر و لیبی به ترتیب با رتبه‌های جهانی ۸۲، ۹۸ و ۱۱۱ و امتیازهای ۳/۷۴، ۳/۴۶ و ۳/۳۴ عملکرد متوسط و کشورهای نیجریه، اکوادور و ونزوئلا به ترتیب با امتیازهای ۳/۱۸، ۳/۰۵ و ۲/۴۳ و رتبه‌های جهانی ۱۲۱، ۱۲۸ و ۱۳۹ بدترین عملکرد را در بین کشورهای مورد بررسی داشته‌اند. در حالی که کشورهای ونزوئلا، نیجریه و آنگولا با قرار گرفتن در رتبه‌های جهانی ۱۰۸، ۱۰۸ و ۱۳۵ و کسب امتیازهای ۲/۸۲، ۲/۰۲ و ۱/۸۶ عملکرد ضعیفی را در ارتباط با مؤلفه

زیرساخت‌ها از خود به نمایش گذاشته‌اند، ولی کشورهای امارات، قطر و عربستان با کسب امتیازهای ۶/۲۶، ۵/۲۴ و ۵/۰۷ و در اختیار داشتن رتبه‌های جهانی ۳، ۲۵ و ۲۸ عملکرد مناسبی داشته‌اند. در این میان کشورهای ایران، الجزایر و لیبی نیز به ترتیب با رتبه‌های جهانی ۷۴، ۸۷ و ۹۵ و امتیازهای ۳/۷۵، ۳/۴۹ و ۳/۲۲ عملکرد متوسطی در مقایسه با سایر کشورهای عضو اوپک داشته‌اند. همچنین از نظر مؤلفه اوضاع کلان اقتصادی، کشورهای نیجریه، ونزوئلا و آنگولا به ترتیب با کسب امتیازهای ۴/۲۵، ۳/۹۰ و ۳/۶۱ و قرار گرفتن در رتبه‌های جهانی ۹۷، ۱۱۳ و ۱۲۲ ضعیف‌ترین عملکرد، کشورهای عربستان، ایران و اکوادور به ترتیب با رتبه‌های جهانی ۲۲، ۴۵ و ۵۵ و کسب امتیازهای ۴/۹۶ و ۴/۷۶ و ۴/۷۶ عملکرد متوسط و کشورهای کویت، لیبی و قطر نیز به ترتیب با امتیازهای ۶/۴۲، ۵/۷۲ و ۵/۷۱ و در اختیار گرفتن رتبه‌های جهانی ۲، ۷ و ۸ بهترین عملکرد را در بین اعضای سازمان داشته‌اند. در نهایت در مورد مؤلفه سطوح ابتدایی آموزش و بهداشت، در حالی که کشورهای قطر، امارات و ایران به ترتیب با کسب امتیازهای ۶/۴۳، ۶/۴۳ و ۶/۱۴ و ایستادن بر رتبه‌های جهانی ۱۵، ۱۵ و ۳۸ و بهترین نمایش در عین حال کشورهای عربستان، اکوادور و الجزایر به ترتیب با قرار گرفتن در رتبه‌های جهانی ۷۴، ۷۵ و ۷۷ و کسب امتیازهای ۵/۶۴، ۵/۶۱ و ۵/۵۶ بین کشورهای اوپک داشته‌اند. در عین حال و در این مؤلفه کشورهای لیبی، نیجریه و آنگولا به ترتیب با امتیازهای ۴/۵۳، ۴/۰۰ و ۲/۶۶ و قرار گرفتن در رتبه‌های جهانی ۱۱۵، ۱۳۷ و ۱۳۹ ضعیف‌ترین عملکرد را از خود به نمایش گذاشته‌اند. همان‌طور که از جدول ۳ استنباط می‌شود، ضعیف بودن زیرساخت‌ها و نیز نداشتن نهادهای عمومی و خصوصی از جمله موانع اساسی کشورهای عضو اوپک در افزایش توان رقابت‌پذیری‌شان محسوب می‌شود. زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی ضعیف، پراکنده، ناکارا و یا گستردگی پایین در کشورهای اوپک، ضمن تحمیل هزینه‌های فزاینده به تولیدکنندگان این کشورها به دلیل

ارزیابی وضعیت رقابت پذیری کشورهای عضو اوپک ...
ابوالفضل شاه آبادی، حامد صادقی

در آینده هزینه‌های سنگینی را به این جوامع تحمیل کند. رتبه‌های جهانی بالای کشورهای اوپک در مؤلفه بهداشت و آموزش مقدماتی مؤیدی بر این مطلب است. چراکه اگرچه وضعیت مؤلفه آموزش و بهداشت ابتدایی در کشورهای اوپک نسبت به سایر مؤلفه‌های شاخص نیازهای اساسی بهتر است، ولی این به معنای مناسب بودن وضعیت این کشورها در مقیاس جهانی نمی‌باشد. کسب رتبه‌های دو رقمی و بعضاً سه رقمی توسط کشورهای اوپک، به سیاستگذاران این کشورها لزوم توجه به بهداشت و آموزش عالی در کنار متغیرهای کلان اقتصادی را گوشزد می‌نماید. گرچه وجود محیط کلان اقتصادی اثبات و به دور از ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی بسترساز گسترش مراودات تجاری کشورهای اوپک با سایر کشورهای دنیا می‌باشد ولی باید از ثبات مصنوعی و دستوری نیز بشدت پرهیز نمود. بدین معنی که ثبات دستوری‌ای که متناظر با تخریب سایر مؤلفه و پیش نیازهای اقتصادی افزایش توان رقابتی باشد، شاید در کوتاه مدت به ظاهر به افزایش توان رقابتی محصولات تولیدی منجر شود، ولی در بلندمدت که آثار جانبی و غیرمستقیم آن ظاهر می‌شود نتیجه عکس بوده و به کاهش قدرت رقابت پذیری کشورها منجر می‌شود [۶].

شاخص نوآوری محور

در جدول ۴ وضعیت مؤلفه‌های نوآوری محور رقابت پذیری در بین کشورهای عضو اوپک و بر اساس گزارش رقابت پذیری جهانی ۲۰۱۰-۲۰۱۱ به نمایش درآمده است. همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، کشورهای عربستان، قطر و امارات به ترتیب با کسب امتیازهای ۴/۹۱، ۴/۸۵

می‌باشد، لذا حجم و قدرت دولت بالا بوده و زمینه را برای گسترش فعالیت‌های غیرقانونی و غیرشفاف افزایش داده و بستر را برای گسترش رانت‌های اداری و در نتیجه فساد مالی مهیا می‌نماید [۶]. نتیجه طبیعی چنین فرایندی حاکم شدن روابط به جای ضوابط، وضع قوانین دست و پا گیر و بعضاً ضد رقابتی، بخش خصوصی ضعیف در مقابل بخش دولتی بسیار قدرتمند و ناکارا، وجود بوروکراسی‌های گسترده و زائد و نیز گسترش فساد مالی و اداری در کشورهای نفتی عضو اوپک می‌باشد که این امر با تحمیل هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده به فعالان بخش کسب و کار، انگیزه آنان را برای فعالیت در چنین محیطی کاهش داده و با افزایش هزینه‌های تولید، به پایین آمدن توان رقابتی محصولات تولیدی در کشورهای اوپک منتهی می‌شود. در کنار این موارد، وجود نیروی کار برخوردار از حداقل‌های آموزشی و بهداشتی و نیز ثبات نسبی محیط کلان اقتصادی از نکات مثبت قابل اشاره در کشورهای اوپک است. به عبارتی، نیروی کار سالم با آموزش‌های ابتدایی که از پیش نیازهای توسعه محسوب می‌شود، در کشورهای اوپک وجود دارد و سیاستگذاران این کشورها باید به دنبال گسترش بهداشت و خدمات بهداشتی در مقیاس وسیع تر بوده و زمینه را برای فراگیری آموزش عالی در بین نیروی کارشان فراهم نمایند. ولی در این ارتباط به مسئولان کشورهای اوپک گوشزد می‌شود که نباید به همین سطح از آموزش‌های اولیه و ابتدایی بسنده کنند، چرا که نیروی کار ساده با حداقل آموزش تنها توانایی انجام کارهای ساده و دستی را دارد و میزان تطابقش با فرایندهای تولیدی نسبتاً پیچیده امروزی پایین است که غفلت از این موضوع می‌تواند

دوری نسبی از بازارهای فروش و دسترسی محدود به اطلاعات متقن و معتبر، موجب کاهش کارایی تصمیم‌های اقتصادی در هر دو سطح خرد و کلان در آن کشورها می‌شود. در واقع، با توجه به اینکه وجود زیرساخت‌های ترابری و ارتباطی گسترده و کارا از جمله پیش‌نیازهای توسعه یافتگی محسوب می‌شود، لذا در کشورهای اوپک که این زیرساخت‌ها گسترده و توسعه یافته نمی‌باشند، فرایند توسعه مختل شده، توزیع درآمد در این کشورها ناعادلانه صورت گرفته و فقر نسبی و حتی مطلق نیز در جوامع آنها گسترش می‌یابد. به علاوه در این کشورها چون شبکه‌های مخابراتی گسترده‌ای کامل ندارد، لذا هزینه دسترسی به اطلاعات کافی و معتبر برای بازرگانان بالا بوده و همین امر موجب افزایش هزینه تولید بنگاه‌ها شده و در نتیجه قدرت رقابت پذیری آنها را در مقایسه با تجار کشورهای توسعه یافته کاهش می‌دهد. از این رو به تصمیم گیران اقتصادی این کشورها پیشنهاد می‌شود از طریق اختصاص بسته‌های مالی ویژه در جهت ایجاد، اصلاح و بهبود زیرساخت‌ها به کاهش هزینه‌های تولید، دسترسی سریع و آسان به اطلاعات مطمئن، تسهیل حرکت منابع تولید بین نواحی مختلف و تسریع در طی مسیرهای توسعه و در نتیجه افزایش توان رقابتی بنگاه‌های تولیدی شان کمک نمایند. از طرفی نیز پایین بودن کیفیت نهادهای عمومی و خصوصی در کشورهای عضو اوپک، موجب انحراف در توزیع عادلانه منافع در بین ساکنان این کشورها شده و هزینه‌های تحمیلی ناشی از سیاست‌ها را افزایش می‌دهد. در کشورهای نفتی همچون کشورهای عضو اوپک چون وابستگی به منابع طبیعی به ویژه نفت و درآمدهای نفتی بالا

جدول ۴- وضعیت مؤلفه نوآوری و شاخص اصلی اثرگذار آن بر رقابت پذیری در کشورهای عضو اوپک
[۲۰۱۱-۲۰۱۰] [۱۰]

	قطر	عربستان	امارات	کویت	ایران	الجزایر	لیبی	اکوادور	ونزوئلا	نیجریه	آنگولا	متوسط
شاخص نوآوری	۴۴۸	۴۴۱	۴۳۷	۳۵۷	۳۲۴	۳۰۴	۲۶۲	۲۸۹	۲۷۹	۳۲۳	۲۵۰	۳۳۹
جهان	۲۶	۲۶	۲۷	۶۰	۸۲	۱۰۸	۱۳۵	۱۲۴	۱۲۹	۸۳	۱۳۹	-
اوپک	۱	۲	۳	۵	۶	۸	۱۱	۹	۱۰	۷	۱۲	-
تکامل تجاری	۴۸۵	۴۹۱	۴۸۴	۴۱۲	۳۵۶	۳۳۲	۲۸۶	۳۲۴	۳۰۶	۳۷۹	۲۶۴	۳۸۵
جهان	۲۱	۱۹	۲۲	۵۸	۹۱	۱۰۸	۱۳۶	۱۰۷	۱۲۹	۷۶	۱۳۹	-
اوپک	۲	۱	۳	۴	۶	۸	۱۰	۷	۹	۵	۱۱	-
شاخص نوآوری	۴۱۱	۳۹۲	۳۹۱	۳۰۳	۳۱۱	۲۷۵	۲۳۸	۲۴۳	۲۵۳	۲۸۷	۲۳۶	۳۰۴
جهان	۲۳	۲۸	۳۰	۷۶	۶۶	۱۰۷	۱۳۱	۱۳۰	۱۳۳	۹۸	۱۳۳	-
اوپک	۱	۲	۳	۵	۴	۷	۱۰	۹	۸	۶	۱۱	-

و ۴/۸۴ و ایستادن در رتبه‌های جهانی ۱۹، ۲۱ و ۲۲ بهترین جایگاه را در بین کشورهای مورد بررسی در مؤلفه تکامل تجاری به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که در مورد همین مؤلفه کشورهای نیجریه، ایران و اکوادور به ترتیب با امتیازهای ۳/۷۹، ۳/۵۶ و ۳/۳۴ و رتبه‌های جهانی ۷۶، ۹۱ و ۱۰۷ عملکرد متوسط و کشورهای ونزوئلا، لیبی و آنگولا هم به ترتیب با قرار گرفتن در رتبه‌های جهانی ۱۲۹، ۱۳۶ و ۱۳۹ و با امتیازهای ۳/۰۶، ۲/۸۶، ۲/۶۴ ضعیف‌ترین عملکرد را از خود به نمایش گذاشته‌اند. در مورد مؤلفه نوآوری نیز کشورهای اکوادور، لیبی و آنگولا به ترتیب با امتیازهای ۲/۴۳، ۲/۳۸ و ۲/۳۶ و با قرار گرفتن در رتبه‌های جهانی ۱۳۰، ۱۳۱ و ۱۳۳ ضعیف‌ترین عملکرد و در عین حال کشورهای قطر، عربستان و امارات نیز به ترتیب ضمن ایستادن بر سکوه‌های جهانی ۲۳، ۲۸ و ۳۰ و کسب امتیازهای ۴/۱۱، ۳/۹۲ و ۳/۹۱ بهترین عملکرد را در میان کشورهای عضو اوپک داشته‌اند. البته در این میان کشورهای کویت، نیجریه و الجزایر هم به ترتیب با امتیازهای ۳/۰۳، ۲/۸۷ و ۲/۷۵ و قرار گرفتن در رتبه‌های جهانی ۷۶، ۹۸ و ۱۰۷ عملکرد متوسطی را از خود ارائه داده‌اند. مطابق جدول ۴، میانگین امتیاز مؤلفه‌های تکامل تجاری و نوآوری در بین کشورهای عضو اوپک به ترتیب ۳/۸۵ و ۳/۰۴ است که حاکی از ضعف عمیق کشورهای مورد بررسی در جهت ایجاد نوآوری و مهمتر از آن استفاده بهینه از نوآوری‌های موجود می‌باشد. به جرأت می‌توان گفت توانایی پایین کشورهای اوپک در خلق فرایندهای تولیدی نوین و گسترش استفاده از نوآوری‌های روز دنیا در امر تولید، توزیع و بازاریابی فروش کالا از مهمترین

دلایل پایین بودن سطح توسعه یافتگی در این کشورها و نیز توان اندک رقابت پذیری آنها در بازارهای بین‌المللی است. به عبارت دیگر، در کشورهای نفتی اوپک توجه سیاستگذاران بیشتر به گسترش زیرساخت‌های فیزیکی و آموزش‌های اولیه نیروی کار معطوف بوده و از بحث نوآوری و ابداع که شاید بتوان گفت بسیار مهمتر و کارسازتر از شاخص‌های نیازهای اساسی در افزایش توان رقابتی کشورها می‌باشد، غفلت شده است. یکی از دلایل عمده این مسأله انحراف قیمت‌های نسبی عوامل به نفع متغیرهای سنتی تولید و به ضرر متغیرهای بنیادی نظیر نوآوری در کشورهای عضو اوپک می‌باشد. به بیان دیگر، در کشورهای نفتی عضو اوپک هزینه خلق و حتی استفاده از نوآوری‌های فناورانه و فرایندهای نوین تولید و توزیع کالا بالاست، همین امر موجب کاهش انگیزه بنگاه‌ها برای استخدام چین‌ساز و کارهایی شده و آنها را به سمت استفاده از روش‌های سنتی سوق می‌دهد که ضمن تحمیل هزینه‌های سنگین به بازرگانان، توانایی بنگاه‌های تولیدی را در تأمین نیازهای اساسی و مورد تقاضای مصرف کنندگان بشدت کاهش می‌دهد. در کنار ضعف کشورهای اوپک در ایجاد نوآوری، باید

به توانایی پائین بنگاه‌های این کشورها در استفاده بهینه و حداکثری از مزایای نوآوری موجود نیز اشاره کرد. یعنی بنگاه‌های تولیدی کشورهای اوپک راهبردهای بلندمدت مدون و مشخصی برای استفاده از امکانات موجود ندارند و شبکه‌های ارتباطی بین آنها نیز جهت استفاده از فرصت‌های مشترک و مزیت‌های طرفین ضعیف می‌باشد. البته استفاده نکردن از تمامی ظرفیت‌های نوآورانه موجود دلیل دیگری نیز می‌تواند داشته باشد. هنگامی که در جامعه‌ای کالایی بدون وجود تقاضا برای آن محصول به بازار عرضه شود، سرانجام آن محصول چیزی جز شکست نخواهد بود. این مطلب در مورد نوآوری در کشورهای نفتی اوپک نیز صادق است، چراکه در این کشورها چون پول حاصل از صادرات نفت خام وجود دارد و تصمیم‌گیران اقتصادی نیز از نوآوری و مزایای آن مطلع‌اند، صرفاً برای پرداختن ظاهری به این بحث، اقدام به سرمایه‌گذاری در فعالیتهای نوآورانه‌ای می‌نمایند که یا کارایی و اثربخشی چندانی با توجه به شرایط خاص بنگاه‌های این کشورها نداشته برای آنها ارزش افزوده چندانی بدنبال ندارد و یا اینکه اصلاً مورد توجه و تقاضای بنگاه‌های داخلی نمی‌باشد. به عبارت بهتر در کشورهای نفتی

ارزیابی وضعیت رقابت‌پذیری کشورهای عضو اوپک ...
ابوالفضل شاه‌آبادی، حامد صادقی

سمت ارتقاء توان رقابتی رهنمون نمی‌سازد، بلکه باعث پائین بودن قدرت رقابت‌پذیری آنها در مقایسه با سایر کشورها شده است. سوم اینکه، نباید صرفاً به جایگاه آماری مؤلفه‌های نوآوری محور در این کشورها توجه نمود و به آن دل خوش بود. چون هنگامیکه از جایگاه نوآوری در کشورهای توسعه یافته سخن به میان می‌آید، رتبه هر کشور بیانگر جایگاه واقعی آن کشور است، چراکه نوآوری در چنین کشورهایی بر مبنای بازار و تقاضای بنگاه‌ها صورت می‌پذیرد. اما در خصوص کشورهای درحال توسعه بویژه نفتی بدلیل اینکه بازار مؤلفه‌های نوآوری در این کشورها یا شکل نگرفته و یا بسیار کوچک هستند و سیاستگذاران کلان اقتصادی این کشورها به صرف مقایسه کشورهای خود با کشورهای توسعه یافته تصور کرده‌اند که مشکل آنان در توسعه این مؤلفه‌ها بوده و اقدام به انجام سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها نموده‌اند و کمتر تقاضا و نیاز بازار و بنگاه‌ها را مدنظر داشته‌اند. به بیان دیگر، در کشورهای اوپک صرفاً به بعد عرضه این مؤلفه‌ها تاکید شده است بدون اینکه به تقاضای آن توجه شود. لذا با اتخاذ سیاست‌های ناهماهنگ و ناصحیح اقتصادی و انحراف قیمت نسبی عوامل، شاهد عدم تناسب عرضه و تقاضا (مازاد عرضه) مؤلفه‌های نوآوری بوده و همین امر موجب گران شدن نسبی مؤلفه‌های نوآوری می‌شود که نتیجه طبیعی آن عدم تمایل و استفاده نکردن بنگاه‌های این کشورها از نوآوری‌های صورت گرفته می‌باشد. به بیان دیگر اول اینکه نوآوری در این کشورها در مقایسه با توسعه یافته‌ها پایین است و دوم اینکه همان حد پایین آن نیز فاقد کارایی است، زیرا فاقد تقاضای قابل قبول است. نهایتاً، با توجه به روند حرکتی رقابت‌پذیری

انحراف هدفمند و مدیریت شده قیمت‌های نسبی به نفع مؤلفه‌های دانش و نوآوری محور، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به سمت پروژه‌های با دانش فنی بومی بالا، فراهم نمودن بسترهای مناسب کسب و کار و کارآفرینی به عنوان یکی از ملزومات اساسی نوآوری و در نهایت گسترش بازار مؤلفه‌های دانش به ویژه سرمایه انسانی و تحقیق و توسعه زمینه را برای ایجاد همچنین استفاده از نوآوری توسط بنگاه‌های تولیدی مهیا نمایند. در مجموع، ذکر چهار نکته ضروری به نظر می‌رسد. اول، به طور کلی همانطور که از تجزیه و تحلیل‌ها عنوان شد، هرچند سطح رقابت‌پذیری در میان کشورهای عضو اوپک چندان رضایت‌بخش نیست، ولی از آن مهمتر وابستگی همان سطح از رقابت‌پذیری به مؤلفه نیازهای اساسی همچون زیرساخت‌ها و اوضاع کلان اقتصادی می‌باشد که خود تابعی از نفت و درآمدهای نفتی است. اتکاء بیش از حد در دنیای کنونی که حرکت به سمت مؤلفه‌های دانش و مؤلفه‌های نوآوری محور می‌باشد، برای هر کشوری از جمله کشورهای عضو اوپک خطرناک می‌باشد. نکته دیگر، به دامنه بسیار گسترده و فاصله زیاد بین رتبه کشورهای عضو سازمان در تمام مؤلفه بر می‌گردد، به گونه‌ای که به عنوان مثال در مورد شاخص کلی نیازهای اساسی رتبه جهانی امارات ۸ و در همین شاخص رتبه جهانی آنگولا ۱۳۸ می‌باشد، موضوعی که در مورد سایر مؤلفه‌ها نیز صادق است. این امر به نوعی بیانگر وجود ناهمگونی در کشورهای عضو اوپک در استفاده از منابع طبیعی شان و بکارگیری از درآمدهای ارزی ناشی از صادرات آن می‌باشد. یعنی کشورهای عضو اوپک هر کدام از مسیری مجزا استفاده می‌کنند که نه تنها آنها را به

همچون کشورهای عضو اوپک، از یک سو سطح سرمایه‌گذاری در مؤلفه‌های نوآوری محور در مقایسه با سطح استاندارد جهانی پائین تر است و از سوی دیگر، آن سرمایه‌گذاری‌های اندک صورت گرفته نیز تقاضامحور نبوده و پاسخگوی نیازهای اساسی بنگاه‌ها نمی‌باشد. نکته دیگر در ارتباط با بنگاه‌های تجاری کشورهای عضو اوپک به توانایی اندک آنها در مسائل مهم و اثرگذاری همچون برندسازی و بازاریابی خرید منابع و فروش محصولات و استفاده از روش‌های نوین توزیع کالا بر می‌گردد. همین امر باعث می‌شود اگر در این کشورها زمینه‌ای نیز برای اقدامات نوآورانه و تولید محصولات با کیفیت فراهم شود، به دلیل ناتوانی در عرضه گسترده و هدفمند کالا به بازار هدف آن اقدامات ناتمام باقی مانده و چیزی جز اتلاف منابع به دنبال نداشته باشد. نکته پایانی نیز به ارتباط ناقص و گسسته بین مؤسسه‌های علمی-پژوهشی و مراکز تولیدی در کشورهای اوپک مربوط می‌شود. همین موضوع باعث می‌شود فعالیت‌های پژوهشی و اقدامات صورت گرفته در جهت تولید علم در این کشورها کاربردی نشده و به مرحله تولید و صنعتی شدن نرسد و تنها به اموری صرفاً نظری معطوف شوند [۶]. موارد مطرح شده، اکیداً لزوم توجه به مؤلفه نوآوری در راستای ارتقاء توان رقابتی شان را به تصمیم‌گیران اقتصادی کشورهای عضو اوپک گوشزد می‌نماید. از این رو به مسئولان اقتصادی این کشورها پیشنهاد می‌شود با اتخاذ سیاست‌های علمی، آموزشی و پژوهشی هماهنگ با سیاست‌های کلان اقتصادی، وضع و یا اصلاح قوانین موجود در زمینه فعالیت بنگاه‌های دانش‌بنیان، تلاش در جهت ارتقاء سطح ایجاد و جذب فناوری‌های برتر، اصلاح قیمت‌های نسبی عوامل و یا احیاناً

References

1. Adams, F.A., B. Gangnes & Y. Shachmurove, (2004) "Why Is China So Competitive? Measuring and Explaining China's Competitiveness", SMU Economics & Statistics Working Paper Series, Working Paper, No. 04-6. <https://mercury.smu.edu.sg/rsrchipubupload/1848/ChinaCompetitive.pdf>
2. Álvarez, I., R. Marín & G. Maldonado, (2008) "Internal and External Factors of Competitiveness in the Middle-income Countries", Working Papers del Instituto Complutense de Estudios Internacionales, General Direction of Planning and Evaluation of the Development Policies (DGPOLDE) of the Spanish Ministry of Foreign Affairs and Cooperation (MAEC), WP08/09. http://eprints.uam.es/9570/1/WP_08-09.pdf
3. Fagerberg, J. & M. Srholec, (2007) "National Innovation Systems, Capabilities and Economic Development", Research Policy, Vol. 37, PP. 1417-1435.
4. Lall, S., (2001) "Comparing National Competitive Performance: An Economic Analysis of World Economic Forum's Competitiveness Index", QEH Working Paper, Working Paper Number 61.
5. LI, H., X. Wei & D. Xie, (2009) "Competitiveness of the Hong Kong Economy", China Economic Review, Vol. 20, PP. 573-586
6. Shahabadi, A. & H. Sadeghi, (2011) "Assess the Challenges and Opportunities of the Iran's Competitiveness in comparison with the Region Countries to Achieve the Goals of the Twenty-Year Outlook", Conference Fifth Development Plan of Commerce's, Iran, Tehran (in Persian).
7. Shahabadi, A. & H. Sadeghi, "The Competitiveness Landscape in Islamic Countries with an Emphasis on Efficiency Pillars", First Regional Conference on Economic and Management, Iran, East Azarbaijan, Miyaneh (in Persian).
8. Uchida, Y. & P. Cook, (2005) "The Effects of Competition on Technological and Trade Competitiveness", The Quarterly Review of Economics and Finance, Vol. 45, PP. 258-283.
9. Wang, T. Y., Sh. Ch. Chien &

مورد بررسی به ترتیب ۴/۵۴، ۳/۸۶ و ۳/۳۹ بوده است. همچنین علاوه بر اینکه وضعیت شاخص کلی رقابت پذیری در کشورهای اوپک چندان مناسب نمی باشد، میزان توسعه یافتگی این کشورها نیز چندان قابل قبول و قابل دفاع می باشد، به گونه ای که از یازده کشور اوپک که در این مطالعه بررسی شدند، نه کشور در مراحل اول و گذر از اول به دوم قرار داشتند. که این امر بیانگر وابستگی بالای همان سطح اندک رقابت پذیری به نفت و درآمدهای نفتی که در مؤلفه زیرساختها متبلور است، می باشد. با توجه به موارد فوق به مسئولان و سیاستگذاران اقتصادی این کشورها پیشنهاد می شود با درک بهتر تحولات فضای جدید رقابت در اقتصاد نوین، توان رقابت پذیری محصولات خود را به سمت تمرکز هدفمند بر فعالیت های دانش بنیان با ارزش افزوده بیشتر و استفاده مناسب تر از ایجاد نوآوری و بهره گیری از امکانات فناوری موجود جهت دهی نمایند. همچنین با فراهم نمودن بسترهای لازم برای افزایش پس انداز ملی، آموزش نیروی انسانی با تحصیلات عالی، اتخاذ سیاست های منسجم و هماهنگ آموزشی-پژوهشی و تولیدی-تجاری، هدایت سرمایه گذاری به سمت فعالیت های دانش بر و کارا تر و گسترش زیرساخت های ارتباطی و اطلاعاتی ارزان و مطمئن به ارتقاء توان رقابتی محصولات تولیدی در کشورشان کمک نمایند.

- Ch. Kao, (2007) "The Role of Technology Development in National Competitiveness: Evidence from Southeast Asian Countries", Technological Forecasting & Social Change, Vol. 74, PP. 1357-1373.
10. World Economic Forum, "The Global Competitiveness Report 2010-2011". <http://www.weforum.org/reports/global-competitiveness-report-2010-2011>

در کشورهای توسعه یافته و مقایسه آن با کشورهای اوپک، به سیاستگذاران اقتصادی کشورهای عضو اوپک هشدار داده می شود که اگر بخود نیایند و توان رقابتی شان را از تمرکز بر مؤلفه نیازهای اساسی به سمت توجه، البته نه توجه صرف، به مؤلفه های نوآوری محور تغییر ندهند، با گذشت زمان کار آنها مشکلتر و مسیر اصلاح وضع موجود برایشان پیچیده تر خواهد شد. بنابراین باید از فرصت های نهایی بهره را ببرند و از منابع نفتی و درآمدهای حاصل از آن در راستای پر کردن شکاف فناوری و نوآوری خود با کشورهای توسعه یافته بهره ببرند تا در آینده مشکل کمتری داشته باشند.

نتیجه گیری و توصیه های سیاستی

موضوع رقابت پذیری از آن دسته مباحثی است که طی سال های اخیر به شدت مورد توجه پژوهشگران و محققین اقتصادی قرار گرفته است. امروزه اقتصاددانان واژه رقابت پذیری را در معنا و ابعاد مختلف مورد استفاده قرار می دهند. اگرچه مفهوم رقابت پذیری در همه معانی و ابعاد دارای اهمیت است، ولی در شرایط کنونی و با در گرفتن موضوعاتی همچون خصوصی سازی های گسترده، سرعت بالای تغییرات فنی و فناوریانه، افزایش تولید و تکثیر دانش و نیز پدیده جهانی سازی نقش رقابت پذیری در سطح کلان (رقابت پذیری ملی) پررنگ تر از سایر ابعاد و معانی شده است. از این رو، در مطالعه حاضر به بررسی وضعیت شاخص رقابت پذیری و مؤلفه های اثرگذار بر توان رقابتی کشورهای عضو اوپک براساس گزارش رقابت پذیری جهانی ۲۰۱۱-۲۰۱۰ پرداخته شد. براساس یافته ها مشاهده شد که میانگین شاخص های نیازهای اساسی، کارایی محور و نوآوری محور در کشورهای